

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# مشهد مقدس

## شرح اذن دخول ۲ - ۸۷/۱/۵

### امتیاز شیعه

به عرض تان رسید که در مذهب شیعه امتیازی هست که در هیچ دین و مذهبی در روی کره زمین نیست و آن ارتباطی است که در همین دنیا بندگان خدا با عالم غیب، ملکوت و جهانی که دنیا رو به سوی آن در سیر است، پیدا می کنند. از جهت قیمت گذاری به هیچ وجه کسی که این امتیاز را بشناسد نمی تواند برای آن قیمتی قائل

شود. امتیازی در شیعه هست که در هیچ دین و مذهبی نیست و به قیمت و ارزش هم در نمی‌آید. چرا؟

به خاطر اینکه وضع بشر مثل حیواناتی است که در بیابانی رها شوند در حالی که نمی‌دانند به سمت کجا می‌روند و در آینده چه خواهد شد، آیا گرفتار بلا می‌شوند؟ در دره‌ای سقوط می‌کنند یا در دریاچه‌ای غرق می‌شوند؟ هیچ سر در نمی‌آورند. هر قدر جلو می‌روند در جلوی‌شان جز تاریکی و حیرت چیز دیگری نیست. تمام بشریت الان اینگونه هستند. خودشان را با زحمت به خوشی و بی‌فکری می‌اندازند تا از این فکر نجات پیدا کنند و گرنه اگر این جریان سینماها و رقص‌ها و ورزش‌های گوناگون و سرگرمی‌ها و مشروب خواری‌ها و ... از آنها گرفته شود همه خودکشی می‌کنند، چون نمی‌دانند عاقبت‌شان چه خواهد شد.

## مشاهد مشرفه سخنگوهای پیامبر

اما در شیعه خیلی روشن است. این مشاهد مشرفه به منزله سخنگوهای پیامبر اسلام هستند. وقتی پیامبر از دنیا رحلت کرد قرآن و خاندانش را به عنوان متن وحی خدا و سخنگوهای وحی خدا به جا گذاشت. بنابراین شیعه غنی و مستغنی و بی نیاز از این جور حرف‌ها است که خود را مشغول مواد مخدر، مشروب و ... نماید تا از غصه آتیه نجات پیدا کند.

در این مذهب هر بلایی به صورت نعمت در می‌آید چون می‌داند در حال زندگی در یک دانشگاه است که سرانجام خوبی هم دارد و مدیران فرهنگی و حیانی و آسمانی بالای سر همه هستند. با هر کدام که خواست در هر ساعتی از شبانه روز تماس می‌گیرد و صحبت و درد دل می‌کند و هرچه دلش خواست با آنها مناجات و صحبت می‌کند.

## پیامبر و خلفای پیامبر زنده هستند

این بود که در اذن دخولی که دیروز خواندیم همین مطلب آمده بود که وقتی می‌خواهید وارد مشاهد بشوید از خدا، از پیامبر، از امام و از فرشتگان اجازه ورود بگیرید و اذن بخواهید. پس معلوم می‌شود که چه جای با عظمتی است! و خدا چه نعمتی به بندگانش در اینجا داده است.

عرض می‌کنیم که: خدایا! من احترام صاحب این زیارتگاه را که در حال عرض سلام به او هستم، قبول دارم و به آن معتقدم. و همان‌طور که اگر به حسب ظاهر زنده بود، با خوشحالی و با اذن و اجازه در خدمتش می‌بودم، الان هم همان‌گونه است و هیچ فرقی نمی‌کند.

ما این دانش را داریم که پیامبر و خلفای پیامبر زنده هستند نه اینکه مرگی مثل دیگر مرده‌ها داشته باشند. مثل عقیده عربستانی‌های وهابی که می‌گویند خود پیامبر و تمام

انبیاء وقتی می‌میرند با مرده‌های دیگر هیچ فرقی نمی‌کنند! هیچ کاری از آنها ساخته نیست اگر شما به آنها عرض غصه و غمی بکنید مثل این است که شما با دیوار و درخت صحبت کردید! نه جوابی در کار است و نه فهمی و نه خطابی. اما شیعه می‌گوید خدایا من معتقدم به زنده بودن آنها.

## کیفیت اعتقاد ما

این اعتقاد، اعتقاد قلبی است و اعتقاد قلبی هم باید با فکر درست شود. مثلاً ما الان روی زمین قرار داریم و زمین با سرعت مافوق جت در حال حرکت است. ما معتقدیم جاذبه‌ای وجود دارد که ما را نگه داشته و پرتاب نمی‌شویم اما آن را نمی‌بینیم، ولی می‌بینیم با اینکه زمین متحرک است و حرکتش بسیار سریع است و باید هرچه رویش هست به این طرف و آن طرف پرتاب شود، اما همه اینها روی زمین قرار گرفته‌اند و ما هم بر روی آن راه می‌رویم، می‌خواهیم و

آسوده‌ایم، لذا می‌فهمیم یک نیروی جاذبه‌ای را خداوند در این زمین قرار داده است که هر چه در اطراف آن هست را نگه می‌دارد و نمی‌گذارد دور شود.

درباره اعتقاد قلبی هم همین حرف هست. ما باید در دبستان، دبیرستان و حوزه علمیه همانطور که به نیروی جاذبه علم پیدا کردیم و خاطمان جمع شد که هنگام شب که می‌خواهیم به آسمان پرتاب نمی‌شویم، همانطور با نیروی علم و دانش و اعتقاد، خودمان را متصل به قدرت خدا بدانیم، که همان امام زمان مان و ائمه هستند؛ اینها مایه حفظ زمین، نیروی جاذبه، نیروی خورشید، هوا و... هستند. همه چیز به برکت وجود آنها برقرار است و دنیا هم به امید آنها می‌چرخد. چون عاقبت به دست آنها می‌رسد. زمین و زمان ارث خدا است که برای آنها قرار داده شده است.<sup>۱</sup>

---

۱- أَنْ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (انبیاء: ۱۰۵)

لذا این فکر که خودمان را بکشیم تا از غصه راحت بشویم هیچ وقت با این اعتقادات نمی‌سازد. اما کسانی که این اعتقادات را ندارند همین که دیدند مقداری ناراحتی وجود دارد ناچارند که خودکشی کنند تا از این ناراحتی‌ها خلاص شوند. چون به عقیده خودشان خبری بعد از مرگ نیست می‌گویند دیگر راحت می‌شویم. اما ما می‌گوییم طبق اخبار و احادیث اینگونه نیست بلکه اگر کسی در این دنیا راضی به آنچه خدا برای او خواسته است نشد، به وسیله خودکشی و مردن کارش مشکل‌تر می‌شود. چون خدای جهان اجازه نابود شدن به کسی نداده است. انسان می‌تواند از خواب به بیداری در بیاید، از بیداری به خواب در بیاید، از تنفس به مرگ در بیاید اما وقتی خودکشی کند فقط تنفسش از بین می‌رود و از این هوا استفاده نمی‌کند، اما بقیه مسائل موجود است. روح جای دیگر نمی‌رود بلکه گرفتار است و مامورین او را می‌گیرند. هر کس از این دنیا وارد جهان پس از این جهان

شود گرفتار این مامورین می‌شود و یک نفر هم نمی‌تواند خودش را مخفی و رها کند.<sup>۱</sup>

## چگونگی ارتباط میان ما و ائمه

سپس به خدا عرض می‌کنیم:

«أَنَّ رَسُولَكَ وَ خُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يَرْزُقُونَ»

اینها زنده‌هایی هستند که از نعمت‌های تو و احتراماتی که برای آنها قائل شدی استفاده می‌کنند.

«يَسْمَعُونَ كَلَامِي وَ يَرُدُّونَ سَلَامِي»

ای خدای بزرگ از جمله احتراماتی که به این اولیاء داده‌ای این است که سلام زوار و حاجت‌مندان را می‌شنوند و می‌فهمند و جواب می‌دهند. منتهی جواب سلام‌شان دو جور

---

۱- وَ لَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ (دعای کمیل)



است بعضی با گوش هم می‌شنوند، اما بیشتر مردم نمی‌شنوند بلکه با گوش دل‌شان می‌شنوند. و لذا وقتی این اذن‌ها را عرض کردند می‌بینند که دل‌شان یک نشاطی پیدا کرد و اشک از چشم‌شان جاری می‌شود و خاطر قلب‌شان در یک وجد و سروری می‌افتد و می‌فهمند که جواب سلام داده شد و وارد می‌شوند. اگر هم این حال برای‌شان ایجاد نشد، از این صحن به آن صحن، از این در به آن در دور می‌زنند، در بعضی جاها خودشان را به حال گدایی و التماس در می‌آورند. مثل گدایی که به در منزلی می‌رود و اظهار حاجت می‌کند تا صاحب خانه ناچار شود و در را باز کند. زائرین هم همین گونه عمل می‌کنند تا اذنی به آنها داده شود. بعد عرض می‌کند:

«يَسْمَعُونَ كَلَامِي وَ يَرُدُّونَ سَلَامِي»

همین الان که داریم وارد می‌شویم هم گفتار و عرائض ما به خدمت‌شان می‌رسد و هم سلام ما را پاسخ می‌دهند، لکن

درست است که گوش ما نمی‌شنود، اما اذن آنها و سلام آنها ما را وارد یک لذتی می‌کند. مثل تشنه‌ای که یک لیوان آب پرتقال یا شربت به او می‌دهند، وقتی وارد حلق او شد کلاً وضعیتش عوض می‌شود. زائر هم این‌گونه می‌شود، چه درس خوانده یا نخوانده، باسواد یا بی‌سواد. گاهی شده بی‌سوادها و دهاتی‌ها خیلی راحت‌تر و بهتر به این جواب سلام آگاه می‌شوند.

«حَجَبْتَ عَنِ سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَ فَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ

مُنَاجَاتِهِمْ»

مناجات و درد دل کردن و اظهار حاجت کردن با علی بن موسی الرضا علیه السلام لذت دارد.

عرض شد که حاجات ما هم فعلاً خیلی زیاد است. در حال حاضر ممالک اسلامی خیلی با هم ارتباط پیدا کرده‌اند. یک وقتی ما در قم یا تهران خبری از کابل یا بغداد یا

فلسطین نداشتیم، اما حالا همان طور که این منزل از آن منزل با تلفن خبر می‌گیرد الان هم این مملکت از آن مملکت خبر می‌گیرد. الان ما می‌دانیم که برادران مسلمانان را در بغداد و ... سرکوب می‌کنند. یک مرتبه انفجاری می‌شود و عده‌ای از بین رفته و زمین از خون‌شان رنگین می‌شود. اینها را باید با حضرت در میان گذاشت و نتیجه گرفت و واقعا هم نتیجه دارد.

بنده خودم یک بار که در زمان صدام به عتبات عالیات مشرف شدم و یک قدری از این درد دلها کردم. در بازگشت در اتوبوس چشمم به هم رفت و دیدم یک تیری شلیک شد حالا نمی‌دانم مسلسل بود یا چیز دیگر بود اما فهمیدم که خبری خواهد شد. و بعد جنگ شد و بحمدالله آن شمر عرب به درک واصل شد. حالا هم باید همین‌گونه، درد دل‌های عمومی همه مسلمانان را به حضرت عرض کرد و در میان گذاشت و جواب گرفت.

## اذن دخول به روایت دیگر

یک اذن دخول دیگری هم بعد از این اذن دخول وارد شده که مرحوم مجلسی فرموده: ما این اذن را از نسخه‌ای قدیمی عرض می‌کنیم که یکی از اصحاب آن را برای داخل شدن در سرداب مقدس و بقاع منوره ائمه علیهم السلام ذکر کرده است<sup>۱</sup>:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ بَقْعَةٌ طَهَّرْتَهَا وَ عَقْوَةٌ شَرَفْتَهَا وَ مَعَالِمٌ زَكَّيْتَهَا حَيْثُ أَظْهَرْتَ فِيهَا أَدِلَّةَ التَّوْحِيدِ وَ أَشْبَاحَ الْعَرْشِ الْمَجِيدِ الَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ مُلُوكًا لِحِفْظِ النُّظَامِ وَ اخْتَرْتَهُمْ رُؤَسَاءَ لِجَمِيعِ الْأَنَامِ»

خدایا! این مکانی که من می‌خواهم وارد شوم مکانی است که تو آنجا را به طهارت موصوف کردی و شرافت و تزکیت

۱- بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۱۵: أَقُولُ وَجَدْتُ فِي نُسْخَةٍ قَدِيمَةٍ مِنْ مُؤَلَّفَاتِ أَصْحَابِنَا مَا

هَذَا لَفْظُهُ اسْتِثْنَانٌ عَلَى السَّرْدَابِ الْمُقَدَّسِ وَ الْأَيْمَةِ

دادی. ادله خداشناسی در آنجاست، و موجودات عرش مجیدی در آنجا هستند که این موجودات پادشاهان کشور انسانیت هستند.

## اُمه پادشاهان جهان

هیچ کشوری، هیچ مذهبی، هیچ دینی چنین چیزی ندارد که من و شماها و بچه‌های ما، همه به خدمت پادشاه برسیم. اینها ملوک و پادشاهان جهانند، اما پوشیده هستند و سروصدا ندارند. طرز حکومت‌شان را به هر کسی نشان نمی‌دهند، اما به درس خوانان و متفکران نشان می‌دهند. الان هر متفکری وارد این مباحث شود معتقد می‌شود که نظام جهان از دربار اینها صادر می‌گردد.

«ملوکاً لِحَفْظِ النَّظَامِ وَ اخْتَرْتَهُمْ رُؤَسَاءَ لْجَمِيعِ الْأَنَامِ»

دربار همه مردم اینجاست، منتهی اغلب مردم جهان مثل حیوانات بی خبر هستند. مثلاً این امنیتی که به مرغ،

خروس، اسب و ... داده شده مسئولین و وسایلی دارد. الان نیروی انتظامی اسبها، گوسفندها و ... را هم حفظ می کند و گرنه دزد آنها را می برد، اما آنها نمی فهمند. ولی شیعه برخلاف سایر بندگان خدا که مثل حیوانات می مانند این مطلب را می فهمد. از آنها ما توقع نداریم که در این مسائل وارد شوند.

«اصْطَفَيْتَهُمْ مَلُوكًا لِحَفِظِ النَّظَامِ»

شما دیروز عصر اینجا بودید الان هم همان ساعت آمدید، این چه نظامی بود که وقت با هم فرق نکرد. دیروز این ساعت عصر بود و حالا هم عصر است. اینطور نیست که الان ظهر یا شب باشد. این به برکت ائمه علیهم السلام است. و فرشتگان به دستور آنها این نظام را برقرار می کنند. آنها که درس توحید در حوزه ها می خوانند اینها را می فهمند. آنهایی که این چیزها را نخوانده اند اصلاً به فکرشان نمی گذرد که یک نظامی در کار است. چگونه است که حتی به اندازه ۲ دقیقه

زمان کمتر یا بیشتر نمی‌شود تا وقتی نوروز شد شب و روز با هم مساوی باشند. و بعد از آن شروع شود به کم شدن شب و زیاد شدن روز. این نظام از کجاست؟! اینها همه درس است و تفکر می‌خواهد. حیوانات هستند که در مورد این چیزها طبق طبیعت‌شان هیچ تفکری ندارند و غیر از علف چیزی نمی‌فهمند.

«مُلُوكًا لِحِفْظِ النَّظَامِ وَ اخْتَرْتَهُمْ رُؤَسَاءَ لِكُلِّ مِجْمَعِ الْاِنَامِ وَ بَعَثْتَهُمْ لِقِيَامِ الْقِسْطِ فِي ابْتِدَاءِ الْوُجُودِ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

این جملات دیگر کار را تمام کرد! از اول پیدایش بشریت و زمین و خورشید و آسمان و ... تا قیامت، همه امور زیر نظر ائمه بوده است. انبیاء هم این را می‌دانستند. حضرت آدم می‌دانست که یک افرادی هستند که باید خدا را به آنها قسم بدهد تا توبه‌اش قبول شود. وقتی حضرت نوح دوستانش و خانواده‌اش را سوار کشتی کرد و موج‌های کوه پیکر شروع به

حرکت کردند، آنها مثل کاه بودند. یک کاه بیفتد روی دریا چه می‌شود؟ تمام دنیا را آب برداشته بود و حضرت نوح می‌دانست که اگر خدا را به اسم اینها بخواند این امواج در اطاعت او قرار خواهند گرفت و حرکت نمی‌کنند این است که متوسل شد. و دیگر انبیاء هم همینطور بودند.

«بَعَثْتَهُمْ لِقِيَامِ الْقِسْطِ فِي ابْتِدَاءِ الْوُجُودِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

اینها مطالبی است که فقط در شیعه پیدا می‌شود و در جاهای دیگر نیست. این درس‌ها ان شاء الله در پی دروس شما خواهد آمد و خواهید خواند و ادله‌اش و براهینش را عقلاً و نقلاً به شما خواهند گفت و کتابهایش را خواهید دید.

«ثُمَّ مَنَّتَ عَلَيْهِمْ بِاسْتِنَابَةِ أَنْبِيَائِكَ لِحِفْظِ شَرَائِعِكَ وَ احْكَامِكَ»

بعداً، به ائمه منت گذاشتی به اینکه انبیاء را نیابت دادی تا در زیر پرچم آنها خدمت بکنند.



## فطرت ارادت به خلیفه خدا

«فَأَكْمَلْتَ بَاسْتِخْلَافِهِمْ رَسُولَ الْمُنْذِرِينَ كَمَا أَوْجَبْتَ رِيَاسَتَهُمْ فِي

فَطْرِ الْمُكَلَّفِينَ»

در این بخش از اذن دخول مطالبی هست که طبق فرموده مرحوم امام در کتاب «چهل حدیث» در حدیث دهم و یازدهم ثابت شده که این حرف‌ها، حرف‌هایی است که از درون جگر و دل انسان‌ها بیرون می‌آید. ما مفسور شدیم به این فطرت‌ها، یعنی اگر دستگاهی داشته باشیم که از فطرت انسان‌ها عکس برداری کنیم، درونش ارادت به معصوم و خلیفه خدا خوابیده است، همان‌گونه که وقتی طفل به دنیا می‌آید اگر از او عکس برداری بکنند، ارادت به پستان مادر و شیر و رابطه با پدر و مادر در درونش هست اما نمی‌فهمد و فقط لبش را این طرف و آن طرف می‌برد. لذا مادر هم به او توجه می‌کند و یک پستانکی به دهان او می‌گذارد. اینها با

هم ربط دارند. ما تمام وجودمان در پی یک چنین رؤسا و ملوک و آقایانی است. چون می‌بینیم خودمان خالی هستیم، هیچ چیز نداریم، هیچ چیز نمی‌فهمیم. اگر یک چنین انوار روحانی در جهان نباشد، جهان از هم می‌پاشد. هیچ چیزی برقراری ندارد. از اول تا آخر زمان، این جهان با نیروی جاذبه معنویت امام و معصوم در نظم و انتظام در آمده است.

«فَسُبْحَانَكَ مِنْ آلِهِ مَا أَرَأَفُكَ»

خدایا! ما به پاکی تو ذکر تو را می‌کنیم، انقدر اله پر رافتی هستی که حسابش دست ما نیست.

«وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مِنْ مَلِكٍ مَا أَعْدَلُكَ»

چه خداوندگار جهانی هستی! که انقدر عدالت و فضل داری که برای ما این نظام را درست کردی، نظام ولایت، نظام امامت.

«حَيْثُ طَابَقَ صُنْعُكَ مَا فَطَرْتَ عَلَيْهِ الْعُقُولَ»

این جهان را به گونه‌ای آفریدی که ما به عقل و فطرت که رجوع می‌کنیم می‌بینیم همان نقش در عقل و دل ما هست، همان‌طور که اگر می‌توانستیم از وجود یک کودک تازه به دنیا آمده عکس برداری کنیم، علاقه به شیر و پستان مادر را در وجودش می‌دیدیم.

«و رَافِقَ حُكْمِكَ مَا قَرَّرْتَهُ فِي الْمَعْقُولِ وَالْمَنْقُولِ»

هم عقل و هم نقل برای ما این مطالب را بیان می‌کنند.

«فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى تَقْدِيرِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ وَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَى

قَضَائِكَ الْمُعَلَّلِ بِأَكْمَلِ التَّعْلِيلِ، ... سُبْحَانَ مَنْ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ

الرَّحْمَةَ»

چه خدای پاکیزه‌ای داریم که این مسائل را بر خودش واجب کرده و گرنه کسی نمی‌تواند جسارت کند، نه فلک، نه ملک، نه امام، نه پیامبر، هیچ کس به خدا حکم رانی ندارد. خدایا! همه‌اش خودت بودی که این نظام را آفریدی و این

بساط را طوری درست کردی که هرکس به هرکس ظلم می‌کند معکوس می‌شود و یک روزی او آقا می‌شود و این زیر پای او قرار می‌گیرد. یک چنین نظامی وجود دارد. و لذا **مظلومینی که این دروس را خواندند هیچ‌گاه از ظلم ناله نمی‌کنند!** بلکه همیشه ناله‌شان در خانه خدا بلند است که ما را ظالم نکن، مظلوم شویم مشکلی ندارد زیرا می‌دانیم عدالت تو پشتوانه همه این امور هست. همه اینها حساب دارد، دفتر دارد، رسیدگی دارد. وقتی انسان دید در روز حساب به خاطر یک فشاری که به او آمده بود چقدر به او ثواب و عوض می‌دهند، می‌گویند ای کاش همه زندگی‌مان در مشکلات بود و یک نفس راحت هم نمی‌کشیدیم! <sup>۱</sup> یک

---

1- عن ابی عبدالله علیه السلام: لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ فِي الْمَصَائِبِ لَتَمَنَّى أَنَّهُ قُرِضَ بِالْمَقَارِضِ. امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر مومن ثواب مصائب را می‌دانست آرزو

همچین خدایی داریم که این دنیا را با این نظم و انتظام آفریده است.

## جایگاه امام

«سُبْحَانَ مَنْ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ قَبْلَ ابْتِدَاءِ خَلْقِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِحُكَّامٍ»

اینجا را خیلی خوب دقت کنید! مثل آیات قرآن است. اینکه شنیدید ادعیه قرآن صاعد است همین است. یک قرآن نازل داریم که از طریق وحی است و یک قرآن صاعد هم داریم که در آن ائمه آموزش می دهند که با خدا یا پیامبر این گونه صحبت کنید.

«مَنْ عَلَيْنَا بِحُكَّامٍ يُقُومُونَ مَقَامَهُ لَوْ كَانَ حَاضِرًا فِي الْمَكَانِ»

خدا را شکر! که یک آقایانی به ما داده که اگر خودش می توانست مثل بشریت در بیاید اینها جانشینان او بودند. منتهی خداوند بالاتر از این است که به شکلی در بیاید و

محدودیتی پیدا کند و انسانیتی پیدا کند. این خرافات در دین مسیحیت نبود بعدها کلیسا اینها را درست کرد که پسر خدا و روح القدس و ... اینها را کلیسا وارد مسائل مسیح کرد. اگر خدا طوری بود که ممکن بود مثل عقیده مسیحیت به صورت جسم در بیاید این بزرگان ما قائم مقام‌های او بودند.

«وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي شَرَّفَنَا»

به ما این نعمت را بخشیده:

«بِأَوْصِيَاءَ يَحْفَظُونَ الشَّرَائِعَ فِي كُلِّ الْأَزْمَانِ»

اوصیایی که حافظ شریعت پیامبری هستند که امشب شب تولد حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است.

پس ما علاوه بر عیدی که مسلمین در ولادت آن بزرگوار می‌گیرند چندین عید دیگر هم برای جانشینان آن حضرت داریم. چرا که می‌گوییم اینها در حکم خود آن حضرت

هستند. تنها لباس بدنی‌شان فرق می‌کند و گرنه خاتم انبیاء باقی است و ائمه معصومین در مشاهده‌شان و بالای سر ما حاضرند. خود حضرت مهدی علیه السلام حاضرند و همه نعمت‌های خدا به برکت اینها توزیع و پخش می‌شود. منتهی عده زیادی نمی‌فهمند و حتی عده‌ای از ما شیعیان هم نمی‌فهمند و یا سر در نمی‌آورند. اما عده‌ای به برکت علامه، امام، آقای شاه آبادی و عرفا که این مسائل را گفته‌اند و نوشته‌اند و به ما مرحمت کرده‌اند، می‌فهمند.

خدایا به آبروی پیامبر اکرم این حرف‌ها را در قلب ما با علم و دانش وارد بساز، تا با این حرف‌ها از دنیا برویم.  
حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های ما را به برکات ائمه از همه آفات محفوظ بدار.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ